

### تیتراژ امروز

انتشار گزارش اولیه گروه کارشناسی آموزش و پرورش از سانحه واژگونی اتوبوس دانش آموزان هرمزگانی

## راننده اتوبوس آهنگر بود!

نیود محل مناسب اسکان  
علت حرکت در شب



واکنش رئیس کمیته روابط خار جی سنا به جدید ترین اظهارات ضدیر جامی نیکی هیلی

## کورکر: هیلی قانون را گفته است

عروج مادر شهید حسن جنگجو پس از ۲۴ سال چشم‌انتظاری در روز تشییع فرزندش

## پیکر شهید آمد مادر آرام گرفت

پس لرزه‌های کاهش سود بانکی و نبود تدبیر در بخش مسکن

## تکان شدید بازار اجاره‌بها

پس لرزه‌های کاهش سود بانکی و نبود تدبیر در بخش مسکن

## واکنش‌های بی‌تأثیر جهانی به نسل‌کشی مسلمانان روهینگیایی توسط ارتش میانمار

# انقراض آدمیت

نسل‌کشی با سلاح صلح نوبل

صفحه ۱۵



### یادداشت امروز

## بازی سوخته

مهدی محمدی

بحث‌های چند هفته گذشته درباره حصر دارای درس‌های آموزنده فراوانی است. یکی از بهترین شیوه‌ها برای تحلیل موضوع در مواردی از این دست، این است که ببینیم بازیگری از منظر خود چگونه به موضوع می‌نگرد.



چند حقیقت ساده درباره حصر در روزهای گذشته روشن شده که با وجود گذشت زمان کم و بیش طولانی از آغاز حصر، تاکنون تا حد زیادی مکتوم بوده است.

۱- روشن شده است حصر مصوبه شورایی است امنیت ملی و دارای مبنای قانون اساسی است و اقدام خودسرانه یا تصمیم شخصی این فرد یا آن نهاد نبوده است.

۲- همچنین روشن شده حصر نه مربوط به اقدامات موسوی و کروبی پس از فتنه ۸۸، بلکه مربوط به زمانی است که آنها در زمستان ۸۹ تصمیم گرفتند بدل به پلی برای سرایت پیدا کردن نارامی‌های منطقه به ایران شوند. در واقع حصر محصول تلاش نظام‌مند این افراد برای پیوند میان فتنه و تروریسم است، و الا تا وقتی صرفاً پای اعتراض انتخاباتی در میان بود- ولو اعتراض فتنه‌گرانه- نظام چیزی از آزادی عمل موسوی و کروبی کم نکرد.

۳- علاوه بر این، روشن شده به‌رغم بحث‌های رسانه‌ای، در محیط تصمیم‌سازی کشور نوعی اجماع درباره تداوم حصر وجود دارد که نمونه روشن آن جلسه روز شنبه شورایی امنیت ملی و تصمیم به حفظ مصوبه ۵۴۴ و تداوم حصر بوده است. در واقع سناریوهای دیگر تقریباً هیچ‌یک به عنوان یک گزینه جدی روی میز نیست. سناریویی که می‌گوید موسوی و کروبی را باید بدون هرگونه قیدوبند آزاد و رها کرد مدافعی ندارد و تبعات سیاسی و امنیتی آن هم محاسبه‌ناپذیر است. سناریوی آزادی و محاکمه هم، فعلاً روی میز نیست، چرا که روشن نیست این دو- و حامیان آنها- مجدداً همین امر را بدل به فتنه‌ای جدید نکنند.

اگر این ۳ اصل را به عنوان مبنای اجمالی بپذیریم، آنگاه رفتار بازیگران را می‌توان ساده‌تر تحلیل کرد.

دولت در این سال‌ها همواره سعی کرده است درباره مساله حصر از خود سلب مسؤلیت کند. ادامه در صفحه ۵

## درباره حرف‌های خارج از قاعده وزیر اقتصاد

میثم مهرپور

بوده و با واقعیت اقتصاد ایران که رشد خود را مرهون افزایش صادرات و فروش نفت خام است، سنخیتی ندارد. به نحوی که با بررسی رشد اقتصادی کشور در سال ۹۵ بدون در نظر گرفتن بخش نفت و وضعیت تعطیلی برندها و بنگاه‌های اقتصادی با سابقه برحمتی می‌توان به این موضوع پی برد.

ب- اقتصاد ایران در دهه‌های اخیر همواره با تورم ساختاری همراه بوده است به نحوی که در عمده این سال‌ها با تورم‌های دورقمی و گاه نزدیک به ۴۰ و ۵۰ درصد همراه بوده است. این در حالی است که امروز حدود ۱۱۰ کشور دنیا تورمی زیر ۵ درصد دارند. لذا زمانی می‌توان گفت اقتصاد تورم ندارد که این رقم عددی نزدیک به صفر یا حداقل زیر ۵ درصد باشد. آنچه در حال حاضر در ایران وجود دارد، از بین رفتن تورم نیست، بلکه شتاب افزایش تورم نسبت به سال‌های گذشته و اوایل دهه ۹۰ م‌ه‌ار شده و به هزینه تعمیق رکود، خبری از تورم‌های حدود ۳۰ درصدی نیست. با این تفاسیر بیان این موضوع که ما از رکود تورمی (رکود همراه با تورم) خارج و به رونق غیرتورمی (رونق اقتصادی بدون وجود تورم) رسیدیم نه تنها ادعای غلطی است که به نوعی می‌توان از آن به عنوان آرزوی اقتصاد ایران نام برد.

۲- افزایش قدرت پول ملی: جناب کرباسیان در بخش دیگری از سخنان خود وضعیت اقتصاد ایران در ۴ سال گذشته را مثبت دانسته و رشد اقتصادی

### نگاه امروز

چند روز بعد از معرفی مسعود کرباسیان به عنوان وزیر پیشنهادی اقتصاد و قبل از حضور وی در بهارستان برای اخذ اعتماد نمایندگان، وی در گفت‌وگویی اظهار داشت: «اگر بگویید کرباسیان متخصص اقتصاد کلان نیست درست گفته‌اید اما اگر بگویید کرباسیان اقتصاد نمی‌فهمد حتماً ارزیابی درستی از من نداشته‌اید». این جمله در همان روزها با بازی‌های گسترده و متفاوتی مواجه شد و عده‌ای این اعتراف را دلیل صداقت وی و برخی دلایلی بر عدم توانایی آقای معاون برای اجارنشینیه در ساختمان باب‌همایون دانستند. اگر چه کرباسیان چند روز بعد با چهره‌های خندان و سینه‌های ستبر، بهارستان را با دست‌پاچه مقصد ساختمان باب‌همایون ترک کرد تا اجاره‌نشینیه‌اش در این ساختمان قدیمی و پرتلاطم آغاز شود.

در روزهای گذشته اظهاراتی از آقای وزیر در رسانه‌ها منتشر شد که به نظر می‌رسد وی نه تنها طبق ادعای خود متخصص اقتصاد کلان نیست، بلکه گویا آشنایی چندانی نیز با اصول و کلیات علم اقتصاد ندارد. به نحوی که در نخستین روزهای حضور در مسند وزارت اقتصاد سخنانی گفته که تحلیل و سپس رد آن برای دانشجویان سال اول اقتصاد نیز کار چندان دشواری به نظر نمی‌رسد!

کرباسیان درباره شرایط امروز اقتصاد ایران مدعی شده اقتصاد ایران از رکود تورمی خارج و در حال حاضر در وضعیت رونق غیرتورمی قرار دارد که این موضوع باعث افزایش قدرت پول ملی در ۴ سال اخیر شده است! اظهارات وی چنان از حال و هوا

### غدیر به

## تقدیر غدیر

حسین قدیانی



«عظم‌ایعات» است اما جهان، هیچ حال خوشی ندارد! هرچه رسم و رسوم جاهلی بود، برگشته در میان همه جانداران، از همه ارزان‌تر، قیمت آدمیزاد است! در غرب عالم، سیل‌زدگان توفان هاروی، با روی خوش مسلمان، پناه به مساجد آمریکا می‌برند و در شرق عالم، کافی است مسلمان باشی تا در آتش قهر و غضب بسوزانند! کجایی «رسول مهربانی‌ها» تا دوباره دست «علی» را بالا بگیری؟ کجایی «محمد» تا دوباره به جلوفتنه‌ها بگویی برگردند و به عقب‌مانده‌ها بگویی جلو بیایند تا هر که اولاد آدم است بفهمد و با گوشت و پوست و استخوان خود احساس کند! «امیرالمؤمنین» که نباشد، گویی رسالت هیچ پیامبری به سرانجام نرسیده؟ چیست نسبت ما با آدم؟ با نوح؟ با ابراهیم؟ با سعی هاجر؟ با صفای اسماعیل؟ سایه این همه بت، بر سر خانه خدا چه می‌کند؟ کلید کعبه، دست فرزندان ابولهب چه می‌کند؟ چه تناسب وحشتناکی! حنجره کودک قدس و چکمه حرامیان! پنجره مسجدالاقصی و گلوله بنی‌اسرائیل! چیست نسبت پهلودیان با موسای کلیم‌الله؟ چیست نسبت مسیحیان با عیسی روح‌الله؟ چیست نسبت ما مسلمانان با پیامبری که تکمیل رسالت خود را منوط به «مامت علی» کرد؟ آیا ما پیروان همان پیامبریم که هرگز سکوت در برابر ظلم را بر نمی‌تافت؟ چه ظلمی بر خود اما بالاتر از نپذیرفتن علی؟ این روزها همه می‌گویند معرکه کربلا ناشی از فراموشی برکه غدیر بود، لیکن زندگی در روزگار غیبت هم متأثر از همین فراموشی است! برای جانشین خاتم‌الانبیا که کم بگذاری، خدا هم نعمت معصوم را از تو می‌گیرد! عرفه‌ای که گذشت «خیمه صاحب‌الزمان» کدام بود؟ نمی‌دانیم! ریشه این «ندانستن» را من اما می‌دانم! «قدر علی» را ندانستیم! و نتوانستیم معنا و مفهوم «غدیر» را آنچنان که مدنظر پیامبر گرامی اسلام بود، تبیین کنیم! گمانم اینک فهمیده‌ایم که بدون علی علیه‌السلام، چه بلایی سر اسلام می‌آید! چه بلایی سر مسلمانان! چه بلایی سر وحدت! چه بلایی سر امت! چه بلایی سر کنشیه‌های بی‌موسی!

ادامه در صفحه ۵

www.vatanemrooz.ir

سلام وطن

۶۶۴۱۳۹۴۲

در شبکه‌های اجتماعی



@vatanemrooz

پیامک خوانندگان

۱۰۰۰۲۲۳۱

تهدید تولید ملی

0 107354 683291

خرید کالای خارجی!